

## چند نکته محوری در تدارک انقلاب در ایران (1)

### سرنگونی انقلابی

#### یا «بحث بعد از مرگ شاه»؟

#### جنبه های سلبی و ایجابی در امر سرنگونی

سرنگونی انقلابی به معنای دستیابی به حداقل های آلترناتیو وضعیت کنونی یعنی جنبه های اثباتی یک انقلاب است. مشخصات این نوع از سرنگونی آنست که با درس گیری از انقلاب بهمن و شکل انفجاری اعتراضات توده ای در کشور های خفقان زده از نوع ایران به سرنگونی تنها نمی پردازد بلکه تلاش میکند عناصر شکل گیری قدرت جایگزین را در پروسه تکوین انقلاب تقویت و تامین کند. واضح است که آنکه مهر خود را بر سرنگونی می زند نخستین کاندیدای قدرت سیاسی آینده خواهد بود. قابل توجه کسانی که سرنگونی را از زاویه سلبی فقط در نظر دارند و حتی به قدرتهای امپریالیستی چشم دوخته اند و آینده تحولاتی از این دست را لاپوشانی میکنند. طبقه کارگر و توده های زحمتکش جامعه اگر چه همواره در انقلابات شرکت داشته اند اما پس از پیروزی بعنوان مختلف کنار زده و سرکوب شده اند. انقلاب 1918 آلمان و سرنوشت اکتبر و انقلابات بهمن و «بهار عربی» اگر چه از میزان سازمانیافتگی دو انقلاب دیگر برخوردار نبودند اما تجربه هایی قابل ملاحظه اند. انقلابات بورژوازی نیازمند چنین تامل و تدارکی نیستند زیرا ساختار طبقاتی موجود را حفظ و مراودات مبتنی بر سلطه و امتیازات طبقاتی را نیاز دارند بعبارتی نظم کهن برجای میماند. از زاویه آنها «همه باهم» بر سر سرنگونی مجتمع میشوند و جنبه سلبی مرکز توافقات قرار میگیرد. در انقلاب کارگری فراموش کردن جنبه اثباتی سرنگونی کمک به ادامه وضع موجود است بالاخص در کشورهایی مثل ایران که بر اثر دیکتاتوری متمدن از شکل گیری اهرم های تغییرات اساسی در جامعه جلوگیری شده و آگاهی زدایی صورت گرفته است. در چنین کشورهایی عمدتاً در پروسه قیام و انقلاب این اهرم ها شکل میگیرند و هر چه از قبل برای آگاهی حول این اهرم ها آمادگی فراهم تر شده باشد جنبه اثباتی سرنگونی بیشتر پدیدار میشود و جنبه انقلابی سرنگونی تحقق بیشتر می یابد. اما وسوسه «اکثریت عظیم» همه با هم را توجیه میکند و فراموش میشود که در نظم موجود، تامین منفعت اکثریت عظیم امری نو و اثباتی و بی سابقه است. پس لزوماً باید همراه خویش راهکار اثباتی خود را داشته باشد. و این مستلزم ورود به جنبه اثباتی سرنگونی است. حضور اکثریت عظیم در یک انقلاب بی سابقه نیست اما تامین منفعت و دخالتگری اکثریت عظیم از آنرو بی سابقه است که دولت های سرمایه داری ساختار و منفعتی در این رابطه ندارند. اگر سرنگونی در جنبه سلب متوقف شود و مبارزه برای تامین دخالت گری به بعد از سرنگونی سپرده شود نظم موجود فرصت می یابد تا در اشکال دیگر بازسازی شود و سرنگونی معنایی جز تغییر مهره های حکومتی نخواهد داشت. بالاخص در ایران که ساختار اقتصادی و اجتماعی جز با دیکتاتوری سرپا نمی شود و کارگران و زحمتکشان فاقد سازمانیابی لازم اند. کشتار و سرکوب های بعد از انقلاب بهمن نمونه بارزی از این نوع سرنگونی است. بدون سازمانیابی طبقه کارگر در مرکز اکثریت عظیم تضمینی برای رای و حضور اکثریت عظیم در تعیین سرنوشت خویش وجود ندارد. کمونیست ها به این دلایل است که فقط از جنبه سلبی سرنگونی به پدیده نگاه نمی کنند بلکه تلاش میکنند سرنگونی انقلابی را بمیان بکشند و جنبه های اثباتی را همزمان از همین امروز طرح نمایند. دولت آینده باید دولتی کارگری باشد و اگر قرار است کارگری باشد باید از همین حالا طبقه کارگر بدان اشراف داشته و خود را برای ملزومات آن آماده کند. در اینصورت پروسه سرنگونی پروسه سازمانیابی سریع هم خواهد بود. باید خود را آماده پاسخ و کمک به تامین خواسته های جنبش های اجتماعی کند و پشتیبانی از این خواسته ها را در نظر بگیرد. آلترناتیو های بورژوا را که در این جنبشها حضور میابند و ناتوانی های آنها را در تامین خواسته های این جنبش ها افشا کند. سرنگونی انقلابی و ایجاد دولتی کارگری درست جانیست که پا ها بر زمین قرار میگیرد و تحولات اجتماعی آغاز میشود. دموکراسی کارگری در شکل تلفیق رای با حضور رای دهندگان در تعیین سرنوشت خویش شورا ها را میافریند و به حکومت میرساند. و.....

. از آنجا که سرنگونی انقلابی امری پراتیک و مرکز تحول در جامعه است حول آن میتوان همکاری کرد. یا برای تعیین دوستان انقلاب آنرا معیار قرار داد. نزدیکی و دوری به سرنگونی انقلابی امری قابل اندازه گیری و رویت است. از اینرو واحدیست قابل اعتماد و غیر ایدئولوژیک در ارزیابی نیرو ها و مدعیان آلترناتیو. دولت یا دموکراسی کارگری

که از پایین شکل و دستور میگیرد نمی تواند همسنگ سرنگونی و شکل گیری قدرت از بالا و اداره امور بدون دخالت مستقیم توده کارگر و زحمتکش باشد. با این معیار بیدار جمهوری خواه و سلطنت طلب و... می رویم نه با معیارهای ایدئولوژیک . تمایز ما با آلترناتیو های بورژوازی با این پراتیک اجتماعی رقم میخورد. تبلیغات و پراتیک ما حول سرنگونی انقلابی متمرکز میشود زیرا این نقطه اشتراک در مرحله کنونی میان انقلابیون عرصه نبرد با جمهوری اسلامی و سرمایه داری است. نمی توان سرنگونی انقلابی را طرح کرد و به کمک سرمایه داری و امپریالیسم و حمله نظامی چشم دوخت . سرنگونی انقلابی نقطه مقابل آلترناتیو های راست و سرمایه دارانه است . بیانیه همکاری کمونیست ها نقد خود را از زاویه سرنگونی انقلابی متوجه آلترناتیو های دیگر میکند و پراتیک خود را حول این مقوله سازمان میدهد. نقطه قوت پایداری که تا سرنگونی و سازمانیابی دولت کارگری و شورایی راهنمای همکاری کمونیست هاست و آنرا تسهیل میکند.

سعید سهرابی 180619